

عوامل مورد فراگیری زبان خارجه

دکتر مینو ورزگر

فراگیری زبان خارجه با زبان مادری تفاوتی فاحش دارد. زبان مادری از طريقه طبيعى آن يعنى درمحيطى كه زبان درآن صحبت مى شود در اثر تكرر و تمرين مداوم و درطى مدت زمان طولانى كه از تولد تا شش سالگى باشد، بدون هيچ نوع آموزشى يادگرفته مى شود. البته رشد و تكامل زبانى ممكن است تا سن ۱۰ سالگى به طول بينجامد وحتى تا اين سنين احتمال اشتباه و محدوديت زبانى وجود دارد، ولى رفته رفته ساختمان دستورى وواژگان گسترش يافته، اشتباهات و محدوديتها رفع مى گردند درحالى كه زبان خارجه معمولا " درمحيط خارج از زبان و بطور مصنوعى، دركلاس درس، باكمك





معلم و همراه با آموزش صورت می گیرد. البته اگر کودک رادرسنین طفولیت در محیط زبان خارج قرار بدهید، دیگر احتیاج به آموزش پیش نمی آید و کودک خود با استنتاج یک سلسله قواعد محدود، قادر به ساختن تعداد نامحدودی جمله خواهد شد.

یادگیری زبان خارج پس از سنین کودکی دشوار شده، دارای مشخصات زیر می شود:

۱ - رشد فکری زبان آموز پیشرفته تر می گردد.

۲ - زبان آموز قبلاً " ساختمان دستوری و بسیاری از واژگان زبان مادری خود را فراگرفته است که در بعضی اوقات انتقال مثبت و در بیشتر موارد انتقال منفی که " تداخل " نامیده می شود پدید می آید.

۳ - زبان آموز در این سن مفاهیم و معانی را درک می نماید.

پن فیلد Penfield اعتقاد دارد که در سن ۹ سالگی مغز انسان خاصیت انعطاف پذیری خود را از دست داده، سخت می گردد و زبان آموزی دشوار می شود؛ در این باره بهتر است نگاهی به جدول استرن Stern (۱۹۶۳) درباره فواید و مضرات یادگیری زبان خارج در سنین مختلف بنماییم:

۱ - سن یادگیری: قبل از نوجوانی (۳ - ۱۰ سالگی)

الف - فواید:

۱ - بانوروفیزیولوژی Neuro-Physiology

مغز مطابقت دارد.

۲ - آسانترین و مؤثرترین است.

۳ - تلفظ خوب و طبیعی ایجاد می شود.

۴ - اثرات حافظه ای زبانی عمیق تری برای تکامل بعدی به جای گذارده می شود.

۵ - وقت بیشتری برای زبان آموزی می توان اختصاص داد.

ب - مضرات:

۱ - احتمال تداخل با زبان مادری پیش

می آید.

۲ - فرایند زبان آموزی آگاهانه صورت

نمی گیرد.

۳ - وقت صرف شده با نتیجه حاصله

مطابقت ندارد.

۲ - سن یادگیری : نوجوانی (۱۱ سالگی تا ترک مدرسه)

الف - فواید :

۱ - توانایی درک بسیاری از جنبه های زبانی و تماسهای فرهنگی ایجاد می شود .
۲ - وقت کافی برای نتایج عالی موحود است .

۳ - حافظه تقویت یافته ، رشد نیروهای دماغی در سطح عالی پدیدار می شود .

۴ - مهارتهای زبان اول خوب جا افتاده اند و به همین علت تداخل و اشکالی پیش نمی آید .
ب - مضرات :

۱ - این مرحله از یادگیری از مرحله قبل دشوارتر است .

۲ - موفقیت احتیاج به جدیت و پشتکار دارد .

۳ - یادگیرنده از فرایند یادگیری آگاه



نیست .

۴ - امکان نپذیرفتن مطالب حفظ کردنی پیش می آید .

۵ - تجربه نتایج بدی را نشان داده است .

۶ - برنامه درسی متراکم و اختصاصی شدن مطالعات ، مانع یادگیری عمیق زبان می شود .

۳ - سن یادگیری : بزرگسالی

الف - فواید :

۱ - داشتن هدف مشخص یادگیری را سریع می سازد .

۲ - انگیزش قوی تواءم با دلایل منطقی نوجوانان ، یادگیری را بهتر می سازد .

۳ - مطالب بیشتری در مدت زمان کوتاهی فراگرفته می شود .

ب - مضرات :

۱ - وقت به اندازه کافی موجود نیست .



۲ - مشغولیت ها و کارهای دیگری وجود دارد .

۳ - مطالعات صورت متراکم و نامنظم دارد . ولی آنچه که از این جدول استنباط می شود اینست که زبان آموزی از سن نوجوانی به بالا مشکلتر می گردد . استرن دلایل زبانی - روانی را تحت الشعاع دلایل دیگر قرار می دهد ، حال آنکه ریشه این مسأله در اشکالات روانی و نورو فیزیولوژیکی است که منتج به مسائل زبانی می شود .

علاوه بر سن عوامل بی شمار دیگری در فراگیری زبان خارجه مؤثر هستند که به شرح زیر بیان می گردد :

۱ - هوش که به عنوان قدرت یادگیری از آن می توان نام برد ، یکی از عوامل مهم یادگیری زبان خارجه است . البته این عامل فقط ۱۵ تا ۲۰ درصد در یادگیری زبان مؤثر است .

۲ - استعداد ، عامل دیگری است که در شرایط آموزشی امروزی حتی از هوش نیز مهمتر بوده ، بطور کلی ^۱ — کل عوامل یادگیری حائز اهمیت است . کرول Carroll (۱۹۶۳) استعداد زبان خارجه را شامل توانایی های زیر می داند :

الف - درک صوتی که توانایی درک مواد شفاهی یا گفتاری است ، به طوری که این مواد تشخیص داده شده ، تحزیه و تحلیل گردد و برای مدتی طولانی تر از چند ثانیه در ذهن حفظ شود . شواهد چنین نشان می دهند که داشتن "گوش خوب برای زبان" یا قدرت تقلید صوتی قابلیت است که چندان ارتباطی با گوش ندارد بلکه به ظرفیت مغز انسان برای دریافت ، اندوختن و به خاطر آوردن مطلبی صوتی ، مربوط خواهد بود .

ب - نگرش نسبت به معلم :

نگرش یادگیرنده نسبت به معلم در یادگیری او تأثیر بسزائی دارد . اگر زبان آموز به معلم اعتقاد داشته باشد و او را دوست بدارد ، بطور یقین انگیزش او برای یادگیری آن زبان بیشتر خواهد بود .

ب - علاقه به زبان خارجه :

علاقه به یادگیری زبان خارجه بخصوص مهارتهای مختلف زبان خارجه تأثیر بسزایی در یادگیری دارد . بطور مثال ، اگر زبان آموزی برای هدف خاصی علاقه به یادگرفتن خواندن زبان خارجه داشته باشد ، تحمیل یادگیری مهارتهای دیگر به او اثر منفی خواهد داشت . زیرا او علاقه به یادگیری خواندن زبان خارجه دارد و گفتار و نوشتار آن زبان در آینده برای او به هیچ وجه اهمیتی نخواهد داشت . بطور کلی اگر فرد علاقه یا دلیل خاصی برای فراگیری زبان خارجه نداشته باشد ، یادگیری او فرایندی پس دشوار پیدا خواهد کرد .

ت - نگرش نسبت به فرهنگ مربوط به زبان خارجه :

نگرش نسبت به فرهنگ مربوط به زبان خارجه که بیشتر ارتباط با مسائل فرهنگی - اجتماعی دارد ، در یادگیری زبان می تواند مؤثر باشد . نگرش منفی نسبت به فرهنگ خارجی باعث کند کردن جریان یادگیری می شود و نگرش مثبت یادگیری را تقویت می کند .

ث - عدم تعلق به محیط خاص :

احساس عدم تعلق به محیط زبان مادری یا محیط زبان خارجه ، باعث احساس عدم تعلق به محیط خاص و در نتیجه بی کسی و تنهایی می شود که این عامل ، یادگیرنده را از آموختن زبان خارجه باز می دارد و در عین حال احساس

که قبلاً "در زبان مادری اش بنیان گذاری شده است می گذارد، در نتیجه امکان دارد که تداخل بین زبان مادری و زبان خارجه پیش آید.

در مورد عادت یادگیری، مسائلی مانند ازبرکردن، یادداشت برداری، استدلال قیاسی و استقرائی مطرح می شود که اینها خود از استراتژی های یادگیری هستند.

ارزشیابی خود همیشه در طول دوران یادگیری صورت می گیرد، ولی در مورد ارزشیابی از خود در زمینه زبان آموزی، معمولاً "یادگیرنده ها" معلومات خود را نادیده می گیرند و چون اصولاً قادر به تکلم نیستند معلومات عمیق خود را از آن زبان دست کم می انگارند.

غیر از عواملی که در مورد یادگیرنده ذکر شد عوامل دیگری مانند عوامل آموزشی از قبیل کیفیت آموزش، فرصت یادگیری، اثرات انتقال ضابطه ارزشیابی و عوامل فرهنگی - اجتماعی مانند وفاداری به زبان و ترکیبات زبانی، دو فرهنگی بودن و نظایر آن مطرح است که امیدواریم در آینده پیرامون آنها بحث کنیم.

منابع

Brown, Douglas. Principles of Language Learning and Teaching (2nd Ed.). Englewood Cliffs: Prentice-Hall Inc. , 1987.

Carrol, J.B. "Linguistic Relativity, Contrastive Linguistics, and Language Learning," International Review of Applied Linguistics, I(1963).

Ellis, Rod. Understanding Second Language Acquisition. Oxford: Oxford University Press, 1986.

Jakobovits, Leon. Foreign Language Learning. Rowley: Newbury House Publishers, 1970.

Wilkins, D.A. Second-language Learning and Teaching. London: Edward Arnold, 1982.

نفرتی نسبت به زبان مادری اش نیز در او ایجاد می کند که باعث فرار از زبان مادری و عدم امکان پناه بردن به عامل دیگری است. این احساس معمولاً "به افرادی دست می دهد که از کشور خود به کشور دیگری مهاجرت کرده اند و زبان مادری آنها در آن محیط عاملی برای دور نگه داشتن آنان از اجتماع است، زبان خارجه آنها که ملیت آن جا را ندارند، همیشه معرف خارجی بودن آنهاست ولو آن که آن زبان را با لهجه بومی صحبت کنند، زیرا اصلیت آنها به اجتماع دیگری برمی گردد و بدین ترتیب در چنین افرادی احساس عدم تعلق به محیط خاص به وجود می آید که عاملی منفی در زبان آموزی محسوب می شود. ناگفته نماند که نداشتن لهجه غیر بومی در زبان خارجه ممکن است این احساس را به حداقل تقلیل بدهد یا از شدت آن بکاهد.

عوامل دیگری نظیر استراتژی های یادگیری، عادت مطالعه و ارزشیابی از خود، در یادگیری مؤثر است. از نظر فرایند های یادگیری، زبان آموز مطالب یاد گرفته شده را بر روی پایهای